



مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای حقوق تجارت

مؤلف: دکتر مجید قربانی لاجوانی

عضو هیئت علمی دانشگاه صنعت نفت

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	■ قربانی لاجوانی، مجید، ۱۳۵۷ -
عنوان و نام پدیدآور	■ مجموعه پرسش‌های چهار گزینه‌ای حقوق تجارت
مشخصات نشر	■ تهران: چتر دانش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	■ ۹۰۸ ص.
شابک	■ ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۷-۹
وضعیت فهرست نویسی	■ فیبای مختصر
یادداشت	■ چاپ نوزدهم.
شماره کتابشناسی ملی	■ ۴۸۲۳۸۸۳

نام کتاب	■ مجموعه پرسش‌های چهار گزینه‌ای حقوق تجارت
ناشر	■ چتر دانش
مؤلف	■ دکتر مجید قربانی لاجوانی
نوبت و سال چاپ	■ پنجاه و سوم - ۱۴۰۲
شمارگان	■ ۲۰۰۰
شابک	■ ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۱۴۷-۹
قیمت	■ ۵۲۵۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.



ناشر سخن

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزشی عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ٔ ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش

فهرست

مقدمه مولف	۹
بخش نخست: تعریف تاجر، اعمال تجارتي و تكاليف تجار	۱۴
فصل نخست: تعريف تاجر	۱۴
فصل دوم: اعمال تجارتي	۲۲
مبحث نخست: اعمال تجارتي ذاتي (مطلق يا اصلي)	۲۲
مبحث دوم: اعمال تجارتي تبعي	۳۰
فصل سوم: تكاليف تجار	۳۸
مبحث نخست: تنظيم و نگهداري دفاتر تجارتي	۳۸
مبحث دوم: ثبت نام در دفتر ثبت تجارتي	۵۱
بخش دوم: قراردادهای بانام قانون تجارت	۵۳
فصل نخست: قرارداد دلالي	۵۳
مبحث نخست: ماهيت دلالي	۵۳
مبحث دوم: قوانين حاكم بر قرارداد دلالي	۵۵
مبحث سوم: آثار قرارداد دلالي	۵۷
گفتار نخست: حقوق دلال	۵۷
گفتار دوم: تعهدات دلال	۶۵
فصل دوم: قرارداد حق العمل كاري (كميسيون)	۷۳
مبحث نخست: ماهيت حق العمل كاري	۷۳
مبحث دوم: آثار قرارداد حق العمل كاري	۷۶
گفتار نخست: حقوق حق العمل كار	۷۶
گفتار دوم: تعهدات و مسئوليت‌هاي حق العمل كار	۸۱
فصل سوم: قرارداد حمل و نقل	۹۲
مبحث نخست: قوانين حاكم بر قرارداد حمل و نقل	۹۲
مبحث دوم: آثار قرارداد حمل و نقل	۹۳
گفتار نخست: حقوق متصدي	۹۳
گفتار دوم: تعهدات و مسئوليت‌هاي متصدي	۹۵
فصل چهارم: ضمانت	۱۱۳

فصل پنجم: قائم مقامی تجارتي.....	۱۱۸
بخش سوم: اشخاص حقيقي	۱۲۱
فصل نخست: شخصيت حقيقي و عوارض آن.....	۱۲۱
فصل دوم: مؤسسات غير تجارتي.....	۱۲۷
فصل سوم: شرکتهای تجارتي.....	۱۲۹
مبحث نخست: اقسام شرکتهای تجارتي، تعريف و گروه بندي آنها.....	۱۲۹
گفتار نخست: اقسام و تعريف شرکتهای تجارتي.....	۱۲۹
گفتار دوم: گروه بندي شرکتهای تجارتي.....	۱۳۲
الف- شرکتهای سرمايه، اشخاص و مختلط.....	۱۳۲
ب- شرکتهای دولتي و خصوصي.....	۱۴۸
ج- شرکتهای موضوعاً تجارتي و شکلاً تجارتي.....	۱۵۲
د- شرکتهای تجارتي ثبت شده و شرکتهای عملي.....	۱۵۳
مبحث دوم: تشکيل و ثبت شرکتهای تجارتي.....	۱۵۵
گفتار نخست: تشکيل شرکتهای تجارتي.....	۱۵۵
الف- کلیات.....	۱۵۵
ب- تشکيل شرکت سهامي.....	۱۶۴
ج- تشکيل شرکت با مسئوليت محدود.....	۱۸۱
د- تشکيل شرکت تضامني.....	۱۸۷
ه- تشکيل شرکت نسبي.....	۱۸۸
گفتار دوم: ثبت شرکتهای تجارتي.....	۱۸۹
مبحث سوم: اوراق بهادار و سهم الشرکه ي شرکتهای تجارتي.....	۱۹۱
گفتار نخست: اوراق بهادار.....	۱۹۱
الف- کلیات.....	۱۹۱
ب- سهام.....	۱۹۷
ج- اوراق قرضه و اوراق مشارکت.....	۲۱۴
گفتار دوم: سهم الشرکه.....	۲۲۱
مبحث چهارم: تصميم گيري شرکا.....	۲۲۶
گفتار نخست: مجامع عمومي شرکتهای سهامي و تعاوني.....	۲۲۶

۲۲۶	الف- دعوت مجامع عمومی
۲۳۱	ب- حد نصاب رسمیت جلسات مجامع عمومی
۲۳۵	ج- صلاحیت‌های مجامع عمومی
۲۴۱	د- تصمیم‌گیری در مجامع عمومی- حق رأی و اکثریت
۲۵۰	ه- اداره‌ی جلسه‌ی مجمع عمومی و پایان آن
۲۵۴	گفتار دوم: تصمیم‌گیری شرکا در شرکت با مسئولیت محدود و تضامنی
۲۵۹	مبحث پنجم: مدیران و مدیرعامل شرکت‌های تجاری
۲۵۹	گفتار نخست: شرکت‌های سهامی و تعاونی
۲۵۹	الف- تصدی سمت و زوال آن
۲۸۰	ب- اختیارات مدیران و مدیرعامل
۲۹۰	ج- حقوق و تکالیف مدیران و مدیرعامل
۲۹۶	د- مسئولیت مدنی مدیران و مدیرعامل
۳۰۵	ه- معاملات مدیران، مدیرعامل و اشخاص وابسته به آن‌ها با شرکت
۳۱۰	گفتار دوم: سایر شرکت‌های تجاری
۳۱۶	مبحث ششم: بازرسان شرکت‌های تجاری
۳۲۴	مبحث هفتم: تغییرات سرمایه‌ی اسمی شرکت‌های تجاری
۳۲۴	گفتار نخست: افزایش سرمایه‌ی اسمی
۳۴۹	گفتار دوم: کاهش سرمایه‌ی اسمی
۳۶۳	مبحث هشتم: حساب‌های شرکت تجاری
۳۷۷	مبحث نهم: انحلال و تصفیه‌ی شرکت‌های تجاری
۳۷۷	گفتار نخست: انحلال بدون تصفیه
۳۷۹	گفتار دوم: انحلال توأم با تصفیه
۴۱۲	بخش چهارم: اسناد تجاری
۴۱۲	فصل نخست: تعریف، انواع و امتیازات سند تجاری
۴۵۱	فصل دوم: صدور سند تجاری
۴۸۶	فصل سوم: قبول و نکول برات
۵۰۶	فصل چهارم: تاریخ تأدیه‌ی اسناد تجاری
۵۱۲	فصل پنجم: انتقال و ظهرنویسی سند تجاری

۵۳۸	فصل ششم: ضمانت
۵۵۱	فصل هفتم: تکالیف و حقوق دارنده
۵۵۱	مبحث نخست: تکالیف دارنده
۵۸۸	مبحث دوم: حقوق دارنده
۶۱۷	فصل هشتم: تأدیبهی وجه سند
۶۱۷	مبحث نخست: تأدیبهی وجه سند توسط مسئولان
۶۳۵	مبحث دوم: تأدیبهی وجه سند توسط شخص ثالث
۶۳۹	فصل نهم: مفقود شدن اسناد تجاری
۶۴۳	بخش پنجم: ورشکستگی
۶۴۳	فصل نخست: صدور حکم ورشکستگی
۶۶۳	فصل دوم: مندرجات الزامی و ویژگی‌های حکم ورشکستگی
۶۶۳	مبحث نخست: مندرجات الزامی
۶۷۰	مبحث دوم: ویژگی‌های حکم ورشکستگی
۶۷۴	فصل سوم: آثار حکم ورشکستگی
۶۷۴	مبحث نخست: منع مداخله‌ی تاجر و انحلال شرکت تجاری
۶۸۱	مبحث دوم: تعلیق دعاوی و تعقیبات فردی
۶۸۴	مبحث سوم: بطلان برخی اعمال و معاملات تاجر
۷۰۸	مبحث چهارم: حال شدن دیون مؤجل
۷۱۶	مبحث پنجم: دعاوی استرداد
۷۲۴	مبحث ششم: محدود شدن مدت اعمال خیار فسخ
۷۲۶	فصل چهارم: اجرای حکم ورشکستگی
۷۶۲	فصل پنجم: قرارداد ارفاقی
۷۶۲	مبحث نخست: شرایط انعقاد قرارداد ارفاقی
۷۸۲	مبحث دوم: آثار قرارداد ارفاقی
۷۸۴	مبحث سوم: انحلال قرارداد ارفاقی
۷۹۰	فصل ششم: اعاده‌ی اعتبار
۷۹۰	مبحث نخست: انواع اعاده‌ی اعتبار
۷۹۱	مبحث دوم: شرایط اعاده‌ی اعتبار

۷۹۵	مبحث سوم: آثار اعاده‌ی اعتبار
۷۹۶	فصل هفتم: جرایم مرتبط با ورشکستگی
۸۰۶	بخش ششم: مالکیت‌های معنوی و داوری تجارتي
		نقد و بررسی اجمالی «ماده واحده‌ی اصلاح ماده‌ی ۲۴۱ لایحه‌ی قانونی اصلاح
۸۱۱	قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۹۵ / ۲ / ۲۰»
۸۱۶	تحوالات جدید در حقوق تجارت
۸۱۶	الف- افزایش شرایط قانونی تصدی سمت مدیریت یا مدیریت عاملی در شرکت‌های تجارتي
۸۱۷	ب- تجویز استفاده از ارتباطات الکترونیکی
۸۱۹	دستورالعمل اجرایی ثبت تبدیل شرکت‌های تجارتي
۸۲۲	سوالات آزمون وکالت ۹۹
۸۳۴	سوالات آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۰
۸۴۰	سوالات آزمون دکتری ۱۴۰۰
۸۵۳	سوالات آزمون مرکز وکلای قوه قضاییه ۱۴۰۰
۸۶۰	سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۰
۸۷۰	سوالات آزمون کارشناسی ارشد ۱۴۰۱
۸۷۶	سوالات آزمون دکتری حقوق خصوصی ۱۴۰۱
۸۹۰	سوالات آزمون وکالت ۱۴۰۱
۹۰۲	سوالات آزمون مرکز وکلا ۱۴۰۲

به نام آنکه جان را فکرت آموخت بازار آشفته

نگهدار اندر این آشفته بازار

کدین گازر از نارنج عطار

بازار آشفته در معنای عرفی کلمه، بازاری است که ورود و خروج مشارکت‌کنندگان به آن، تابع ضابطه خاصی نیست و هیچ مرجع یا دستی‌نامرئی قادر نیست قیمت و کیفیت عرضه و به‌طور کلی مطلوبیت بازار را برای مشتریان آن تضمین کند. بازار کتب آموزشی حقوق در حال حاضر مصداقی بارز برای آن است، دو دلیل اصلی عامل این وضعیت است:

۱- در کنار کتاب‌های پرارزشی که حاصل یک عمر مجاهدت علمی نویسندگانشان هستند در این بازار نوشته‌هایی یافت می‌شود که انسان بعد از نگاهی گذرا بر محتوای آن‌ها از هدر رفتن کاغذی که برای چاپشان مصرف شده دچار تأسف می‌شود. بخش قابل توجهی از کتاب‌هایی که در این بازار مورد معامله قرار می‌گیرند کتبی هستند که در مقام پاسخگویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های برگزار شده در سال‌های پیش نوشته شده‌اند، آشفتگی بازار در ارتباط با این کتاب‌ها نمود بیشتری دارد. در این حوزه به دلیل سود نسبی فعالیت و فقدان نظارت منسجم از حیث محتوا بر محصولات عرضه‌شده کتاب‌هایی با سطح کیفی به شدت نازل و در برخی موارد حاوی سخنان نسنجیده و غیرعلمی به مشتری عرضه می‌شوند. تلقی عمومی این است که چون پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای آزمون‌های پیشین کار علمی جدی نیست، سهل است و هر شخصی که آشنایی اجمالی با کتاب‌های اصلی درس مورد نظر داشته باشد می‌تواند به این پرسش‌ها در قالب تدوین کتاب دست یازد از این رو بازار این دست کتب جولانگه اشخاصی شده که حس نامجویی خود را با تدوین کتابی برای پاسخ‌گویی به سؤالات چهارگزینه‌ای ارضا می‌کنند و این کار ترمینی است شاید برای کارهای جدی‌تر بعدی. سهل‌تر بودن پاسخ‌گویی به پرسش‌های چهارگزینه‌ای در قیاس با پژوهش‌های نظری تحلیلی در حقوق قابل انکار نیست ولی این امر نباید موجب عرضه کتابی حاوی پاسخ‌های نادرست شود. مضار آشفتگی بازار را خامی مشتری دو چندان می‌کند، معمولاً مشتریان کتاب‌های فوق را دانشجویانی تشکیل می‌دهند که یا در مقطع کارشناسی حقوق هنوز مشغول به تحصیل هستند یا تازه تحصیل در این مقطع را به پایان برده‌اند؛ از این رو قادر به تشخیص سره از ناسره نیستند و شوق کسب نمره قبولی در آزمون همراه با تبلیغات خلاف واقعی که برای فروش برخی از این کتاب‌ها صورت می‌گیرد خوانندگان آن‌ها را گمراه می‌کند.

۲- نحوه طرح پرسش در آزمون‌های حقوقی هم عاری از اشکال نیست، به دلیل نحوه تدوین و تنظیم قوانین در کشور همواره قوانین مصوب مراجع صلاحیت‌دار در موقع تفسیر محل بحث و اختلاف نظر بین نویسندگان حقوقی بوده‌اند برای شناخت وضعیت موجود نگاهی به تفاسیر ارایه شده برای قانون مدنی که شاهکار قانون‌گذاری در کشور محسوب می‌شود، کافی است. در ارتباط با سایر قوانین که از حیث محتوا و شکل نگارش قطعاً وضعیت‌شان نامناسب‌تر از قانون مدنی است، اختلاف نظر بین نویسندگان شدت بیشتری دارد. وضعیت زمانی آشفته‌تر می‌شود که طراح پرسش شخصی غیر از نظریه‌پردازان تراز اول درس مورد نظر باشد که تألیفاتی شناخته شده دارند و تالیفات ایشان منبع درسی در دوره‌های آموزشی کارشناسی است. در این وضعیت معمولاً طراح پرسش حداقل در برخی سؤال‌ها رویکرد خود در خصوص تفسیر قانون مورد نظر را مبنا قرار می‌دهد و پرسش و پاسخ مثبت آن براین اساس طرح می‌شود؛ درحالی‌که برای بسیاری از شرکت‌کنندگان در آزمون جز آن‌هایی که فرصت اطلاع یافتن از دیدگاه فرد مورد نظر یافته‌اند اصلاً امکان آشنایی با نظر او فراهم نشده است، حال وضعیت دانشجوی یا دانش‌آموخته‌ای را در نظر بگیریم که وقت گران‌بها و توان خود را برای مدتی قابل توجه صرف آمادگی برای امتحان کرده و حجم قابل توجهی از اطلاعات و نظریه‌های دست اول را در ذهن خود انباشته ولی در آزمون با پرسش‌هایی نامتعارف روبرو شده است. پاسخ‌گویی به چنین پرسش‌هایی سطح کیفی کتاب‌های تنظیم‌شده به‌عنوان پاسخ پرسش‌های چهارگزینه‌ای را هم تقلیل می‌دهد؛ زیرا در برخی موارد به دلیل مبهم بودن پرسش، انتخاب پاسخ مناسب آن دشوار است در نتیجه نویسنده دست به انتخابی نادرست می‌زند، در مواردی هیچ‌یک از گزینه‌ها پاسخ درست پرسش نیستند و نویسنده بدون توجه به این نکته و با این فرض که حتماً سؤال باید یک گزینه درست داشته باشد یکی از آن‌ها را برگزیده است.

آسیب‌های ناشی از این وضعیت بسیار است و بحث‌وبررسی در مورد آن به مجال وسیع‌تر نیاز دارد. به هر حال برخوردهایی که در سالیان تدریس این درس بعد از امتحان با دانشجویان داشته‌ام همواره توأم با گلایه‌هایی از طرز طرح پرسش و لزوم چاه‌اندیشی سریع از سوی مراجع صلاحیت‌دار در این خصوص بوده است. اقدام برای سامان دادن به این وضعیت برکات و آثار مطلوب فراوانی دارد بدون اینکه هزینه‌ای بر آن مترتب باشد. عدم نیاز به هزینه‌ای قابل توجه برای اجرای این طرح انسان را از تأخیر در اقدام مؤثر برای به سامان کردن این بازار آشفته دچار حیرت می‌کند حداقل اثر مثبت این اقدام میمون‌افزودن بر انگیزه جوانان برای تلاش بیشتر و با

برنامه برای بالا بردن سطح دانش و معلومات خویش است و علاوه بر آن بدبینی نسبت به آزمون‌ها را رفع می‌کند، از همه مهم‌تر اینکه برگزاری آزمون به رسالت واقعی خود یعنی سنجش دانش شرکت‌کنندگان و برگزیدن بهترین‌ها نزدیک می‌شود.

برای رسیدن به مطلوب اقدامات متعددی باید انجام شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر هستند:

- ۱- شناسایی و پذیرش آسیب‌های موجود در آزمون‌های طرح شده بعد از نظر سنجی از صاحب نظران این امر که باید متشکل از حقوقدان‌ها و متخصصان آموزش و سنجش باشد
- ۲- تدوین دستورالعملی برای نحوه پرسش‌ها و بودجه‌بندی هر یک از مباحث از حیث تعداد پرسش‌ها

۳- طرح پرسش از منابعی مشخص و از پیش اعلام شده به نحوی که داوطلب بتواند با آشنایی قبلی از منابع مورد نظر ولو آنکه مفصل و گسترده باشند، برای آزمون خود را آماده کند.

بهترین فرصتی که خداوند رحمان ممکن است به شخصی که به یاد گرفتن علاقه دارد عطا کند، فرصت معلمی است این فرصت بدون اینکه شایستگی آن‌را داشته باشم از سر لطف به‌نحوی شایسته و قابل توجه در ده سال گذشته در اختیار من قرار گرفته است، در این مدت که بخش عمده‌ای از آن صرف تدریس حقوق تجارت شده نکات در خوری در خصوص نحوه تدریس این درس عاید شد. در دوره‌هایی که برای آموزش حقوق تجارت برای آمادگی آزمون‌های کارشناسی ارشد، ورود به دوره کارآموزی وکالت، قضاوت یا سردفتری برگزار شده همواره یکی از نکاتی که بر آن تأکید می‌کنم ضرورت رجوع دانشجو به پرسش‌هایی است که در آزمون‌های گذشته طرح شده است این کار اگر با هدف آشنا شدن با نحوه طرح پرسش در آزمون صورت گیرد مزیت‌های متعددی دارد از جمله اینکه دانشجو با روش طرح‌شدن سؤال از آنچه در کلاس آموخته است آشنا می‌شود و نیز می‌تواند درصد یادگیری خود را بسنجد. با وجود این یکی از دغدغه‌های مطرح دانشجویان مطابقت نداشتن پاسخ برخی از پرسش‌های طرح‌شده با مطالب عنوان‌شده در کلاس بود. این اختلاف با توجه به دلایل پیش‌گفته امری کاملاً طبیعی و قابل درک است، ولی آموزش را دشوار می‌کند، زیرا دانشجو می‌ماند که آنچه در کلاس یاد گرفته درست است یا آنچه که به‌عنوان پاسخ در کتاب مورد نظر ارائه شده. برای غلبه بر این دشواری مجموعه حاضر تهیه و تنظیم شده است. این مجموعه متضمن پرسش‌های طرح‌شده برای درس حقوق تجارت در آزمون‌های ورودی دوره کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه‌های دولتی و آزاد، آزمون ورودی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشگاه‌های دولتی و آزمون اخذ پروانه کارآموزی وکالت است. برای سهولت

یادگیری و استفاده مناسب از مطالب کتاب پرسش‌ها به صورت موضوعی طبقه‌بندی شده‌اند و در تنظیم پاسخ پرسش‌ها همواره تلاش کرده‌ام که مبانی و دلایل نظری پاسخ برگزیده را توضیح دهم مگر در مواردی که به دلیل سادگی بیش از حد پرسش و وضوح پاسخ آن، به استدلال نیاز نبوده است. این کوشش واقعاً ناقابل را به پاس اعتمادی که به من روا داشتند تقدیم می‌کنم به همه دانشجویانی که به امید قبولی در آزمون‌ها وقت خود را به من سپردند و نتوانستم آن‌ها را به خاطر ضعف دانش خود به هدف مطلوب برسانم و باید به‌طور ویژه تشکر کنم از دوست فاضلم جناب آقای دکتر محمدباقر قربانوند که برای شناخت رویه قضایی موجود نزد محاکم در خصوص نکات مورد اختلاف، از دانش ایشان فراوان بهره بردم.

و سخن آخر...

درین بازار اگر سودیست با درویش خرسند است

خدایا منعمم گردان به درویشی و خرسندی

مجید قربانی لاچوانی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

علائم اختصاری

قانون تجارت	ق.ت.
لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت	ل.ا.ق.ت.
قانون صدور چک	ق.ص.چ.
قانون اداره تصفیة امور ورشکستگی	ق.ت.ا.و.
قانون راجع به ثبت شرکتها	ق.ث.ش.

بخش نخست: تعریف تاجر، اعمال تجاری و تکالیف تاجر

فصل نخست: تعریف تاجر

۱- کدام یک از اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شود؟ (ارشد سراسری-۷۸)

الف) حق‌العمل کار

ب) دلال

ج) عامل

د) قائم‌مقام تجاری

گزینه‌ی «د» درست است. تعریف تاجر در ماده‌ی ۱ قانون تجارت بیان شده است. در این تعریف، قانون‌گذار معیار تشخیص تاجر از غیرتاجر را موضوع شغل معمول او تعیین کرده است. اگر موضوع شغل معمول شخص از اعمال تجاری ذاتی باشد که در ماده‌ی ۲ قانون تجارت بیان شده‌اند، تاجر و در غیراین صورت غیرتاجر است. از اعمال مندرج در پرسش فوق، حق‌العمل‌کاری، دلالی و عاملی، طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عمل تجاری ذاتی هستند. قائم‌مقامی تجاری در این ماده جزء اعمال تجاری قلمداد نشده است؛ در نتیجه قائم‌مقام تجاری، تاجر نیست.

۲- با توجه به قانون تجارت و سایر قوانین و مقررات موضوعه، کدام مورد در خصوص شرایط اشتغال به تجارت، صحیح است؟ (ارشد سراسری-۹۷)

الف) اشخاصی که به صورت تجاری به واردات کالا اقدام می‌کنند و قصد توزیع یا فروش کالاهای وارداتی به نحو عمده‌فروشی دارند، ملزم به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

ب) شرکت‌هایی که در امر حمل‌ونقل جاده‌ای مسافر فعالیت می‌کنند، علاوه بر اخذ مجوز از سازمان حمل‌ونقل، ملزم به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

ج) اشتغال به عملیات صرافی در قالب هر یک از شرکت‌های تجاری موضوع ماده‌ی ۲۰ قانون تجارت، مجاز است.

د) کلیه اشخاصی که به فعالیت تجاری اشتغال دارند، ملزم به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه هستند.

گزینه‌ی «ب» درست است.

طبق ماده‌ی ۱۲ قانون نظام صنفی کشور: «افراد صنفی موظف اند قبل از تاسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند.»

ماده ۲ قانون فوق در تعریف فرد صنفی چنین مقرر کرده است: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید، فروش، توزیع، خدمات و خدمات فنی، سرمایه گذاری کند و به عنوان پیشه ور و صاحب حرفه و شغل آزاد خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسب فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را بطور مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته می‌شود.»

گزینه ی «الف» به این دلیل نادرست است که همه اشخاصی را که با انگیزه فروش و توزیع به وارد کردن کالا مبادرت می‌کنند، ملزم به اخذ پروانه کسب دانسته است، در حالی که براساس ماده ۲ قانون نظام صنفی کشور اشخاصی که کالا یا خدمت را به مصرف کننده عرضه می‌کنند فرد صنفی هستند و باید پروانه کسب بگیرند با این توضیح دلیل نادرست بودن گزینه ی «د» هم روشن است. گزینه ی «ج» به این دلیل نادرست است که همه شرکتهای تجارتي نمی‌توانند به صرافى اشتغال پیدا کنند، طبق دستورالعمل بانک مرکزی اشتغال به صرافى در قالب شرکت تجارتي حسب مورد با تشکیل شرکت تضامنی یا سهامی خاص امکان پذیر است.

۳- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیست؟

- (الف) دلال
(ب) حق العمل کار
(ج) کسبه‌ی جزء
(د) قائم مقام تجارتي
- گزینه ی «د» درست است. کسبه‌ی جزء، تاجرند ولی از تکالیف تاجر معاف شده‌اند.

۴- کدام یک از اشخاص ذیل تاجر نیستند؟

- (الف) مدیرعامل یک شرکت تضامنی
(ب) کارگزار بورس
(ج) بیمه‌گر
(د) انبار عمومی

گزینه ی «الف» درست است. کارگزار بورس، حق العمل کار است؛ در نتیجه، شغل معمول او طبق بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت، عمل تجارتي ذاتی است. افزون بر این، طبق بند ۱۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ و سایر مقررات حاکم بر فعالیت کارگزاران، فعالیت کارگزاری باید در قالب شرکت تجارتي انجام شود و کلیه‌ی شرکت‌های تجارتي تاجرند. عملیات بیمه طبق بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت، عمل ذاتاً تجارتي است و بیمه‌گر که شغل معمول خود را این عملیات قرار داده، براساس ماده ۱ این قانون تاجر است؛ علاوه بر این، براساس ماده ۳۱ قانون تأسیس بیمه‌ی مرکزی ایران و بیمه‌گری عملیات بیمه در ایران، باید به وسیله‌ی شرکت‌های سهامی عام ایرانی که کلیه‌ی سهام آن‌ها بانام است و با رعایت مقررات به ثبت رسیده‌اند، انجام گیرد. طبق ماده ۱ تصویب‌نامه‌ی قانونی تأسیس انبارهای عمومی، انبار عمومی، مؤسسه‌ای است بازرگانی که با رعایت مقررات به صورت شرکت سهامی تأسیس شده و

به ثبت رسیده است.

۵- عامل کسی است که: (ارشد سراسری-۷۳)

الف) به نام و به حساب خود معامله انجام می‌دهد.

ب) به نام خود ولی به حساب دیگری معامله انجام می‌دهد.

ج) به دستور دیگری معامله انجام می‌دهد.

د) واسطه‌ی انجام معامله قرار می‌گیرد.

گزینه‌ی «ج» درست است. در بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، عاملیت در کنار دلالتی و حق‌العمل‌کاری از اعمال تجارتي ذاتی قلمداد شده است. باوجوداین، قانون‌گذار برخلاف دلالتی و حق‌العمل‌کاری، عاملیت را تعریف نکرده است. عامل مانند وکیل به نام و حساب دیگری معامله می‌کند؛ در نتیجه، تعهدات ناشی از قراردادهایی که عامل برای دیگری منعقد می‌کند به عهده‌ی اصیل است.

۶- کدام عبارت صحیح است؟ (وکالت-۹۱)

الف) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند و مشمول مقررات ورشکستگی نیز هستند.

ب) شرکت‌های تضامنی تاجر هستند؛ اما از شمول مقررات ورشکستگی خارج هستند.

ج) شرکت‌های تضامنی، تاجر نیستند؛ اما شرکت‌های تضامنی که موضوع آن‌ها تجاری است، مشمول مقررات ورشکستگی هستند.

د) شرکت‌های تضامنی تاجر نیستند و از شمول مقررات ورشکستگی نیز خارج هستند.

گزینه‌ی «الف» درست است. کلیه‌ی شرکت‌های تجارتي از جمله شرکت تضامنی تاجرند و مشمول مقررات ورشکستگی هستند. شمول مقررات ورشکستگی بر شرکت‌های تجارتي به صراحت در ماده‌ی ۴۱۲ قانون تجارت بیان شده است.

۷- مدیران شرکت‌های تجاری: (ارشد سراسری-۸۵)

الف) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به نام خود عمل می‌کنند.

ب) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به نام دیگری و به حساب دیگری عمل می‌کنند.

ج) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.

د) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.

گزینه‌ی «ب» درست است. مدیران و مدیرعامل هیچ‌یک از شرکت‌های تجارتي، تاجر محسوب نمی‌شوند؛ مگر اینکه غیر از تصدی این سمت‌ها شغل معمولشان عمل تجارتي ذاتی باشد؛ مانند اینکه، عضو هیئت‌مدیره‌ی شرکت سهامی، علاوه بر این سمت، به حساب خود به شغل دلالتی یا حق‌العمل‌کاری نیز اشتغال داشته باشد. دلیل تاجر محسوب نشدن مدیران و مدیرعامل شرکت‌های تجارتي این است که اشخاص مذکور در مقام تصدی سمت مدیریت، اعمال تجارتي را به نام و

حساب شرکت انجام می‌دهند؛ درحالی‌که تاجر، به شخصی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتي را به حساب خود، شغل معمول خویش قرار دهد؛ افزون‌براین، مدیریت شرکت تجارتي در ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتی قلمداد نشده است.

۸- مدیران شرکت‌های تجاری:

(ارشد آزاد-۹۰)

- الف) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به نام خود عمل می‌کنند.
 - ب) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به نام دیگری عمل می‌کنند.
 - ج) تاجر محسوب می‌شوند؛ چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.
 - د) تاجر محسوب نمی‌شوند؛ چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.
- گزینه‌ی «ب» درست است.

۹- در عقد مضاربه:

(ارشد سراسری-۸۰)

- الف) حصه‌ی معینی از سرمایه به عنوان سود به مالک پرداخت می‌شود.
 - ب) سود به نسبت سرمایه بین مالک و مضارب تقسیم می‌شود.
 - ج) مالک و مضارب، تاجر محسوب می‌شوند.
 - د) مضارب، تاجر محسوب می‌شود.
- گزینه‌ی «د» درست است.** طبق ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدنی «مضاربه عقدی است که به موجب آن، احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید اینکه طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. صاحب سرمایه، مالک و عامل، مضارب نامیده می‌شود».
- مضارب باید با سرمایه‌ی مالک اعمال تجارتي ذاتی موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت را انجام دهد. مضارب این اعمال را به نام خود انجام می‌دهد نه به عنوان وکیل مالک؛ با وجوداین، در سود حاصل از فعالیت، مالک و مضارب به نسبت مورد توافق به صورت مشاع شریک‌اند. با توجه به مراتب فوق، شخصی که در عقد مضاربه، به تجارت اشتغال پیدا می‌کند مضارب است. مالک در انجام تجارت مورد نظر دخالتی ندارد و صرفاً در نتیجه‌ی حاصل از آن سهیم است. اگر مضارب، تجارت مورد توافق را به نحوی انجام دهد که عرفاً بتوان آن را شغل او دانست تاجر قلمداد خواهد شد. چنانچه قائل بر شمول حکم ماده‌ی ۲۲۰ قانون تجارت بر عقد مضاربه باشیم، مالک و مضارب، هیچ‌یک تاجر محسوب نخواهند شد. چون در این صورت مضاربه در قالب شرکت تضامنی شخصیت حقوقی مستقل پیدا می‌کند. مضارب و مالک هر دو شریک این شرکت می‌شوند و مدیریت شرکت نیز با مضارب است. نفس شراکت در شرکت‌های تجارتي و تصدی سمت مدیریت در آنها موجب تاجر شناخته شدن شخص نمی‌شود.

۱۰- شخصی که به عنوان مدیر یک فروشگاه فرش فعالیت و علاوه بر دریافت حقوق، پنج درصد از سود سالانه فروشگاه را نیز دریافت می‌کند:

(دکتری آزاد-۹۵)

الف) نسبت به درآمد حاصل از سود سالانه تاجر است.

ب) تاجر است.

ج) چنانچه سود سالانه بیشتر از حقوق سالانه‌اش باشد تاجر است.

د) تاجر نیست.

گزینه‌ی «د» درست است. تاجر به کسی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتي ذاتي را به حساب خود، شغل معمول خویش قرار داده باشد. در فرض مورد پرسش، مدیر فروشگاه در مقام نماینده‌ی دیگری، به نام و از طرف اصیل تجارت می‌کند. تعهدات ناشی از قراردادهای منعقدشده توسط مدیر را، مالک فروشگاه باید اجرا کند. اینکه مقرر شده است، نماینده درصدی از سود سالانه‌ی تجارت را به‌عنوان پاداش دریافت کند، سبب نمی‌شود که جایگاه نماینده تغییر یابد و به اصیل بدل شود. مدیر فروشگاه با وجود توافق فوق، همچنان نماینده است و نمایندگان مثل مدیران عامل شرکت‌های تجارتي، قائم‌مقامان تجارتي و غیره که تجارت را برای شخص دیگری انجام می‌دهند، تاجر نیستند.

۱۱- تاجری فوت نموده و تمام مال التجاره‌ی وی به فرزندش که صغیر است، به ارث رسیده و

اموال مزبور توسط قیّم اداره می‌شود. در اینجا چه کسی تاجر محسوب می‌شود؟

(ارشد آزاد-۸۹)

الف) صغیر

ب) قیّم

ج) نه صغیر و نه قیّم تاجر محسوب نمی‌شوند.

د) هر دو

گزینه‌ی «ج» درست است. تاجر به شخصی اطلاق می‌شود که اعمال تجارتي ذاتي را به حساب خود، شغل معمول خود قرار دهد؛ در جایی که شخصی به نمایندگی از دیگری به تجارت اشتغال دارد، تاجر، شخصی است که اعمال به حساب او انجام می‌شود نه شخص نماینده؛ به شرط آنکه اصیل، اهلیت داشته باشد. اگر نماینده، تجارت را به حساب محجور انجام دهد، محجور به دلیل نداشتن اهلیت قانونی، تاجر شناخته نمی‌شود؛ در نتیجه، در فرض مورد سؤال، نه قیّم تاجر است و نه محجور.

۱۲- کارمند دولت که در خارج از وقت اداری اشتغال به تجارت دارد:

الف) تاجر محسوب می‌شود.

ب) به هیچ وجه تاجر محسوب نمی‌شود.

ج) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت شغل اصلی او باشد.

د) در صورتی تاجر محسوب می‌شود که تجارت با شغل اصلی او منافات نداشته باشد.

گزینه‌ی «الف» درست است. کارمندان دولت به صورت کلی از تجارت منع نشده‌اند؛ در نتیجه، اصولاً می‌توانند در کنار شغل دولتي تجارت کنند. در این صورت، اگر عرفاً تجارت شغل آن‌ها

قلمداد شود، تاجر و مشمول مقررات حاکم بر تجارند.

۱۳- دلالت در صورتی تاجر محسوب می شود که: (ارشد سراسری-۷۲)

(الف) از اداره یا سازمان ذی ربط پرونده‌ی دلالتی اخذ کرده باشد.

(ب) در رشته‌ی واحدی فعالیت داشته باشد.

(ج) به کار دلالتی به عنوان شغل معمولی پرداخته باشد.

(د) شغل دلالتی را در قالب بنگاه یا مؤسسه انجام داده باشد.

گزینه‌ی «ج» درست است. طبق ماده‌ی ۱ قانون راجع به دلالتان، تصدی به هر قسم دلالتی منوط است به اخذ پروانه از مراجع صلاحیت‌دار. شخصی که بدون پروانه به دلالتی تصدی کند، براساس ماده‌ی ۹ این قانون مجرم است و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. باوجوداین، تصدی به دلالتی بدون پروانه مانع تاجر شناخته شدن شخص نیست. در ماده‌ی ۱ قانون فوق، تصدی به دلالتی منوط به اخذ پروانه شده است. مقصود از تصدی، اشتغال به دلالتی همراه با ایجاد بنگاه است؛ در نتیجه، شخصی که بدون تصدی؛ یعنی بدون ایجاد بنگاهی متشکل، به صورت موردی دلالتی می کند ملزم به اخذ پروانه نیست. دلالتی ماهیتاً از اعمال تجارتي ذاتی غیربنگه‌ای است و تجارتي قلمداد شدن آن منوط به ایجاد بنگاه برای انجام عمل نیست؛ ولی الزام به اخذ پروانه زمانی ایجاد می شود که شخص به دلالتی تصدی کند.

۱۴- کدام یک از عبارات زیر در مورد اشتغال خارجیان به تجارت در ایران، صحیح است؟ (ارشد سراسری-۸۵)

(الف) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران ندارند.

(ب) اتباع خارجه فقط با مشارکت اتباع ایران می توانند به تجارت اشتغال یابند.

(ج) اتباع خارجه بدون محدودیت، حق اشتغال به هر نوع تجارت در ایران دارند.

(د) اتباع خارجه حق اشتغال به تجارت در ایران دارند؛ مگر در زمینه‌هایی که منع خاص وجود دارد. **گزینه‌ی «د» درست است.** قانون تجارت هیچ محدودیتی برای اشتغال بیگانگان به تجارت در قلمرو ایران مقرر نکرده است. ماده‌ی ۱ این قانون نیز که به تعریف تاجر اختصاص یافته، داشتن تابعیت ایرانی را برای تاجر شناخته شدن اشخاص شرط نکرده است. ماده‌ی ۹۶۱ قانون مدنی مقرر می دارد: «جز در موارد ذیل، اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی مُتَمَتَّع خواهند بود:

۱- در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.

۲- در مورد حقوق مربوط به احوال شخصی که قانون دولت متبوع تبعه‌ی خارجه آن را قبول نکرده

۳- در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نقطه نظر جامعه‌ی ایرانی ایجاد شده باشد».

اگر حق اشتغال به تجارت را از مصادیق حقوق مدنی بدانیم طبق ماده‌ی فوق، اتباع خارجه نیز از این حق متمتع خواهند شد؛ مگر در مواردی که به دلایلی موجه، قانون‌گذار، اشتغال بیگانگان

به عمل تجارتي خاصی را خلاف مصلحت کشور تشخيص دهد. به عنوان مثال، با وجود اینکه در قانون تجارت، اشتغال به دلالي، منوط به داشتن تابعیت ایرانی نشده، بر اساس ماده ۲ قانون راجع به دلالان مصوب ۱۳۱۷ یکی از شرایط صدور پروانه‌ی دلالي برای شخص، ایرانی بودن او است.

۱۵- داشتن دفاتر تجارتي (ارشد آزاد-۸۶)

الف) ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد.

ب) به تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است.

ج) به هیچ وجه تاجر بودن صاحب آن را ثابت نمی‌کند.

د) به تنهایی دلیل تاجر بودن صاحب آن است، به شرط آنکه وفق مقررات قانونی تنظیم شده باشد. **گزینه‌ی «الف» درست است.** طبق تعریف ماده ۱ قانون تجارت، تاجر کسی است که شغل معمول خود را معاملات تجارتي قرار داده است؛ بنابراین تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي توسط شخصی که شغل معمول او تجارت نیست، مُثَبِّتِ تاجر بودن او نخواهد بود. از طرف دیگر، اگر شغل معمول شخص، تجارت باشد با وجود این، دفاتر تجارتي را تنظیم و نگهداری نکند، از تکلیف قانونی خود تخلف کرده و مشمول ضمانت اجراهای آن می‌شود. این تخلف، وصفِ تاجر را از او سلب نمی‌کند، تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي در حد اماره‌ی قضایی، بر تاجر بودن شخص دلالت دارد.

۱۶- کسبه‌ای که میزان فروش سالانه‌ی آن‌ها از ریال تجاوز نکند، کسبه‌ی جزء محسوب می‌شوند. (ارشد آزاد-۸۳)

ب) یکصد میلیون

الف) پنجاه میلیون

د) یکصد و بیست هزار

ج) یکصد هزار

طبق بند ۱ ماده واحده‌ی نظام‌نامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۱۹ گزینه‌ی «ب» درست است. در این نظام‌نامه معیارِ تشخيصِ تاجرانِ کاسبِ جزء از تاجرانِ کاسبِ عمده، درآمد سالانه‌ی آن‌ها تعیین شده است. نظام‌نامه، کسبه‌ی جزء را به دو گروه تقسیم کرده است. گروه نخست عبارتند از کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آن‌ها. این گروه در صورتی کاسبِ جزء محسوب می‌شوند که درآمد سالانه‌ی آن‌ها از یکصد میلیون ریال تجاوز نکند. گروه دوم عبارتند از ارائه‌دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای. این گروه به شرطی کاسبِ جزء قلمداد می‌شوند که درآمد سالانه‌ی آن‌ها از پنجاه میلیون ریال تجاوز نکند. برای تشخيص اینکه تاجری در گروه نخست قرار دارد یا در گروه دوم، باید ماهیتِ شغل او را در نظر گرفت. اگر عملِ تجارتي ذاتی که شخص، موضوع شغل خود قرار داده از اعمال خدماتی باشد تاجر در گروه دوم قرار می‌گیرد؛ در غیر این صورت، از تاجرانِ مشمولِ گروه نخست است. بخش عمده‌ای از اعمالِ تجارتي ذاتی به شرح مقرر در ماده ۲ قانون تجارت مانند دلالي، حق‌العمل‌کاری، تصدی به حمل‌ونقل، عملیات بیمه، عملیات بانکی، تصدی به نمایشگاه عمومی و تصدی به عملیات حراجی ماهیت خدماتی دارند. در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۳ اصلاحیه نظام‌نامه ماده ۱۹ قانون

تجارت تصویب شد. براساس مصوبه اخیر کسبه، پیشه‌وران، تولیدکنندگان و نظایر آن در صورتی که فروش سالانه آنها از چهار میلیارد ریال تجاوز نکند کاسب جزء هستند و ارایه دهندگان خدمات در هر زمینه‌ای چنانچه عایدی غیرخالص آنها از دو میلیارد ریال بیشتر نباشد کاسب جزء هستند.

۱۷- معیار تمیز کسبه‌ی جزء از سایر تجار عبارت است از: (دکتری سراسری-۹۳)

الف) میزان فروش سالانه (ب) میزان سود خالص سالانه

ج) میزان سود ناخالص سالانه (د) تعداد کارگران

گزینه‌ی «الف» درست است.

۱۸- کسبه‌ی جزء، (وکالت-۹۰)

الف) مشمول مقررات حقوق تجارت نیستند.

ب) بازرگان به‌شمار آمده ولی از داشتن دفاتر تجاری معافند.

ج) بازرگان محسوب شده و بدون استثنا مشمول همه‌ی تکالیف تاجر می‌باشند.

د) در گذشته بازرگان به‌حساب می‌آمدند، اما در حال حاضر، دیگر تاجر تلقی نمی‌شوند.

گزینه‌ی «ب» درست است. کسبه‌ی جزء باوجوداینکه تاجرند از تکالیف تنظیم و نگهداری دفاتر

تجارتی و ثبت‌نام در دفتر ثبت تجاری معاف هستند و نیز طبق ماده‌ی ۵۱۲ قانون آیین دادرسی

مدنی، مشمول مقررات ورشکستگی نیستند. از این‌رو، از کسبه‌ی جزء برخلاف تاجران که کاسب

عمده محسوب می‌شوند، دادخواست اعسار پذیرفته می‌شود.

۱۹- کدام مورد در خصوص کسبه‌ی جزء صحیح است؟ (ارشد سراسری-۹۳)

الف) تاجرند، اما از شمول مقررات حاکم بر تاجر خارجند.

ب) تاجر نبوده و از شمول مقررات حاکم بر تاجر خارجند.

ج) تاجر نیستند، اما مشمول بعضی مقررات حاکم بر تاجر هستند.

د) تاجرند، اما از شمول بعضی مقررات حاکم بر تاجر خارجند.

گزینه‌ی «د» درست است. کسبه‌ی جزء، طبق قانون تجارت، تاجرند، ولی مشمول برخی مقررات

حاکم بر تاجران کاسب عمده نیستند. دلیل نادرستی گزینه‌ی «الف» آن است که کاسبان جزء

را به‌طور مطلق از شمول مقررات حاکم بر تاجران کاسب عمده خارج دانسته است؛ در حالی که

این‌گونه نیست و برخی مقررات حاکم بر تاجر به‌طور مشترک نسبت به کاسبان جزء و کاسبان

عمده قابل اعمال هستند، قرینه‌ی موجود در قانون تجارت که بر این نظر دلالت دارد حکم

تبصره‌ی ماده‌ی ۱۰ قانون است. براساس این تبصره که یکی از تکالیف قانونی تاجران را بیان کرده

است: «تاجر باید کلیه‌ی مراسلات و مخابرات و صورت‌حساب‌های وارده را نیز به‌ترتیب تاریخ

ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.» با توجه به اطلاق لفظ تاجر و نظر به اینکه

کاسبان جزء از تکلیف مقرر در تبصره معاف نشده‌اند، تکلیف موضوع تبصره را همه‌ی تاجران اعم

از کسبه‌ی جزء و کسبه‌ی عمده باید مراعات کنند.
 ۲۰- با تقاضای شوهر، زن از اشتغال به تجارت خاص، به موجب حکم قطعی دادگاه ممنوع می‌شود. زن پس از این حکم، اقدام به انعقاد قرارداد در همان زمینه تجارت می‌کند. این قرارداد با فرض وجود شرایط اساسی برای صحت معاملات، چه حکمی دارد؟
 (دکتری حقوق خصوصی سراسری-۹۷)

الف) فقط در صورت آگاهی طرف معامله از حکم دادگاه، باطل است.

ب) مطلقاً صحیح است.

ج) مطلقاً باطل است.

د) غیرنافذ است.

در پاسخ‌نامه‌ی رسمی گزینه‌ی «ب» به عنوان پاسخ درست انتخاب شده است.

فصل دوم: اعمال تجارتي

مبحث نخست: اعمال تجارتي ذاتي (مطلق يا اصلي)

۲۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش:
 (ارشد سراسری-۷۳)

الف) ذاتاً تجارتي است.

ب) فقط میان تجار، تجارتي است.

ج) وقتی تجارتي است که توسط تاجر انجام گرفته باشد.

د) وقتی تجارتي است که برای رفع حوايج تجارتي باشد.

گزینه‌ی «الف» درست است. اعمال تجارتي ذاتي که اعمال تجارتي مطلق و اصلي نیز نامیده شده‌اند، به اعمال مندرج در ماده‌ی ۲ قانون تجارت اطلاق می‌شود. ماده‌ی ۲ قانون تجارت، در مقام بیان تعریف تجارت و تبیین قلمرو آن در حقوق ایران است و به جای ارائه‌ی تعریف ماهیّتی از تجارت، آن‌را با بیان مصادیق تعریف کرده است. این ماده کاربردهای فراوانی در حقوق خصوصی دارد و قلمرو کاربرد آن منحصر به حقوق تجارت نیست؛ به‌عنوان مثال برای تعیین معنای تجارت در تعریف عقد مضاربه به‌موجب ماده‌ی ۵۴۶ قانون مدني به ماده‌ی ۲ قانون تجارت استناد شده است، یا در داوری تجاری بین‌المللی برای تعیین ماهیت تجارتي داوری، ماده‌ی ۲ قانون تجارت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون تجارت یکی از اعمال تجارتي ذاتي را خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره بیان کرده است. برای اینکه عمل خرید یا تحصیل طبق این بند ذاتاً عمل تجارتي قلمداد گردد باید مال مورد معامله منقول و قصد خریدار یا تحصیل‌کننده به هنگام خرید یا تحصیل، فروش یا اجاره‌ی آن باشد. بنابراین، اگر شخص، مال منقول را به قصد استفاده‌ی شخصي بخرد و بعد از خرید، قصد او تغییر یابد و درصدد فروش یا اجاره‌ی مال برآید، عمل خرید ذاتاً

تجارتی نیست؛ ولی اگر شرایط مندرج در ماده‌ی ۳ قانون تجارت موجود باشد، همین عمل به‌طور تبعی تجارتي قلمداد خواهد شد.

با توجه به اطلاق عبارت تحصیل در این بند لازم نیست قراردادی که موجب انتقال مالکیت مال می‌شود عقد بیع باشد؛ در نتیجه، اگر شخص، مالکیت مال را از طریق عقود معوض دیگری غیر از بیع، مانند صلح معوض یا معاوضه به‌منظور فروش یا اجاره تحصیل کند، قرارداد موردنظر ذاتاً عمل تجارتي است. خرید یا تحصیل مال غیرمنقول به‌قصد فروش یا اجاره طبق مفهوم این بند و منطوق ماده‌ی ۴ قانون تجارت ذاتاً عمل تجارتي نیست؛ در نتیجه، طبق قانون تجارت، شرکت‌هایی که موضوع فعالیت آن‌ها باید عمل تجارتي ذاتی باشد، نمی‌توانند خرید یا تحصیل مال غیرمنقول را موضوع فعالیت خود قرار دهند. با وجود این، به عقیده‌ی برخی صاحب‌نظران حقوق تجارت، ماده‌ی ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها نسبت به شرکت‌های موضوعاً تجارتي استثنائاً خرید یا تحصیل مال غیرمنقول را ذاتاً تجارتي قلمداد کرده است، البته دلالت ماده‌ی فوق بر این استنباط محل تردید است. با توجه به مراتب فوق، عقد بیعی را که از طریق آن خریدار مال منقولي را به‌قصد فروش یا اجاره تملک می‌کند می‌توان بیع تجارتي نامید؛ گرچه قانون تجارت به‌شرح فوق برای تفکیک بیع تجارتي از بیع غیرتجارتي ضابطه ارائه کرده، بیع تجارتي از حیث شرایط انعقاد، آثار و انحلال، تابع احکام بیع در قانون مدنی است.

۲۲- کدام یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟ (وکالت-۸۶)

- (الف) ماشینی که به‌قصد اجاره معاوضه می‌شود، عمل تجاری است.
 - (ب) خرید چرم جهت تبدیل به کفش به‌قصد فروش تجاری نیست.
 - (ج) هرگاه کسی قالی بخرد برای منزل خود و بعد از مدتی آن را بفروشد، عمل تجاری است.
 - (د) خرید کتاب به‌قصد فروش آن، عمل تجاری است.
- گزینه‌ی «ج» درست است. طبق بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است. اعمال مندرج در گزینه‌های «الف» و «د»، طبق ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتی (اصلي) هستند.

۲۳- در تحلیل عمل تجاری ذاتی کدام مورد نادرست است؟

(دکتری حقوق خصوصی سراسری-۹۹)

- (الف) عمل خیاطی که پارچه می‌خرد و پس از تبدیل به لباس می‌فروشد، تجاری محسوب می‌شود.
 - (ب) بر اساس نظریه یا معیار گردش ثروت، معاملات غیر منقول عمل تجاری محسوب می‌شوند.
 - (ج) قصد فروش در خرید مال منقول توسط تاجر مفروض است و نیاز به دلیل اثباتی ندارد.
 - (د) واسطه‌گری انجام معاملات اوراق بهادار در بورس عمل تجاری محسوب می‌شود.
- گزینه‌ی «ب» درست است.

۲۴- کدام یک از اعمال زیر ذاتاً تجارتي نیست؟ (ارشد سراسری-۷۷)

- (الف) عمل خرید مال منقول به قصد اجاره (ب) عمل عاملي
(ج) عمل صدور چک (د) عمل خرید مال منقول به قصد فروش
گزینه‌ی «ج» درست است. طبق ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، صدور چک، ولو آنکه از محلی به محل دیگر باشد، ذاتاً عمل تجارتي محسوب نمی‌شود.

۲۵- دلالي معاملات اموال غير منقول: (ارشد آزاد-۹۰)

- (الف) مطلقاً عمل تجارتي محسوب نمی‌شود.
(ب) از اعمال تجاری ذاتی می‌باشد.
(ج) چنانچه در چارچوب یک بنگاه و مؤسسه صورت پذیرد، تجارتي می‌باشد.
(د) چنانچه توسط یک شرکت سهامی صورت پذیرد تجارتي می‌باشد و از جمله اعمال تجارتي تبعی محسوب می‌شود.

طبق بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است. دلالي معاملات ملکی که در بند ۳ ماده‌ی ۲ قانون تجارت از آن با عنوان تصدی به تسهیل معاملات ملکی یاد شده، از اعمال ذاتاً تجارتي است. این عمل، به شرطی ذاتاً تجارتي به شمار می‌آید که به صورت تصدی و با ایجاد بنگاه صورت گیرد.

۲۶- کدام مورد، ذاتاً تجاری نیست؟ (قضاوت-۹۲)

- (الف) تأسیس کارخانه‌ی تصفیه نمک
(ب) دلالي اموال غير منقول املاک
(ج) معامله‌ی برواتی بین دو نفر غیر تاجر
(د) معامله‌ی مدیرعامل شرکت با مسئولیت محدود
گزینه‌ی «د» درست است. موارد مندرج در گزینه‌های «الف»، «ب» و «ج» به ترتیب براساس بندهای ۳، ۴ و ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتی هستند.

۲۷- کدام یک از معاملات زیر، عمل تجاری ذاتی محسوب نمی‌شود؟

(دکتری حقوق خصوصی سراسری-۹۸)

- (الف) دلالي معاملات ملکی
(ب) خرید قفسه برای نصب در تجارتخانه از سوی تاجر
(ج) تصدی به ارائه خدمات پیدا کردن خدمتکار، پرستار و مربی کودک
(د) خرید کالایی به قصد فروش، در صورتی که تاجر هیچ‌گاه موفق به فروش آن نشود.
گزینه‌ی «ب» درست است. خرید قفسه برای نصب در تجارتخانه توسط تاجر، مشمول بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت و از اعمال تجارتي تبعی است. تصدی به دلالي معاملات ملکی طبق بند ۳

ماده ۲ قانون تجارت، ذاتاً عمل تجارتي است. تصدی به پیدا کردن خدمه طبق بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت ذاتاً عمل تجارتي است. خرید مال منقول با انگیزه فروش یا اجاره ذاتاً عمل تجارتي است؛ خواه خریدار موفق به اجرای انگیزه خود بشود یا نه.

۲۸- کدام یک از معاملات ذیل تجاری محسوب نمی شود؟ (ارشد آزاد-۹۱)

- الف) معامله‌ی اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی
- ب) دلالی و حق العمل کاری معامله‌ی غیرمنقول
- ج) معامله‌ی غیرمنقول شرکت‌های تجاری به قصد ساختمان خانه به منظور سکونت یا فروش
- د) تصدی به معامله‌ی غیرمنقول

گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده ۴ قانون تجارت، معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود، اعم از اینکه به صورت تصدی و با ایجاد بنگاه انجام شود یا بدون تصدی. دلالی و حق العمل کاری اموال غیرمنقول از اعمال تجارتي ذاتی است. دلالی معاملات غیرمنقول، مصداق تصدی به تسهیل معاملات ملکی محسوب شده و از این باب ذاتاً تجارتي قلمداد می شود. حق العمل کاری معاملات ملکی نیز به دلیل ذاتاً تجاری بودن عمل حق العمل کاری، تجاری است. به عقیده برخی از صاحب نظران، معامله‌ی اموال غیرمنقول، توسط شرکت سهامی یا شرکت‌های دیگری که طبق ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌ها برای ساختمان سازی ایجاد شده‌اند، به طور تبعی تجارتي‌اند.

۲۹- در صورتی که دعوی ناشی از معامله‌ای باشد که یک طرف آن تاجر و طرف دیگر غیر تاجر است معیار صلاحیت دادگاه بر مبنای «دعوی بازرگانی» کدام است؟ (قضایات-۹۴)

- الف) معامله نسبت به خواهان تجاری باشد. (ب) معامله نسبت به خوانده تجاری باشد.
- ج) موضوع معامله تجاری باشد (د) هدف معامله تجاری باشد.

گزینه‌ی «د» درست است. عبارت «دعوی بازرگانی» در ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مورد استفاده قرار گرفته است، این ماده در مقام تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی بازرگانی است. در قانون آیین دادرسی مدنی یا قانون تجارت عبارت فوق تعریف نشده است. طبق دیدگاه غالب در دکترین حقوقی، دعوی بازرگانی دعوی است که منشأ آن، عمل تجارتي باشد. اعمال تجارتي بر اساس مواد ۲ و ۳ قانون تجارت به دو گروه اعمال تجارتي ذاتی و تبعی تقسیم شده‌اند. طبق بند ۲ ماده ۳ قانون تجارت، کلیه معاملات که تاجر با غیر تاجر برای حوایج تجارتي خود می کند، تبعاً تجارتي هستند؛ بنابراین، معامله‌ای که از اعمال تجارتي ذاتی نیست و بین یک تاجر و غیر تاجر منعقد شده در صورتی به طور تبعی تجارتي است که هدف از انعقاد آن رفع نیازهای تجارتي طرف تاجر قرارداد باشد. اگر بخواهیم در این فرض معیار تشخیص بازرگانی بودن یک دعوا را تعیین کنیم، معیار، هدف از انعقاد عقد است.

۳۰- منظور از معاملات برواتی معاملاتی است که مورد معامله‌ی آن (ارشد آزاد-۸۶)

الف) بروات باشد.

ب) کالا باشد.

ج) کالا باشد، به شرط آنکه خریدار به جای وجه نقد برات بدهد.

د) کالا باشد، مشروط بر آنکه طرفین معامله تاجر باشند.

گزینه‌ی «الف» درست است. منظور از معاملات برواتی در بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، چهار عمل صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات است.

۳۱- منظور از معاملات برواتی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت کدام یک از موارد زیر است؟

(ارشد آزاد-۹۰)

الف) صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات

ب) هر قراردادی که برای ایفای تعهد پول ناشی از آن برات صادر شده است.

ج) صدور، ظهرنویسی و ضمانت اسناد براتی

د) تنزیل اسناد براتی وعده‌دار

گزینه‌ی «الف» درست است.

۳۲- کدام گزینه در خصوص بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت صحیح است؟ (دکتری آزاد-۹۳)

الف) صدور، ظهرنویسی و ضمانت برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما قبولی برات، ذاتاً تجاری نیست.

ب) صدور، ظهرنویسی و قبولی برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما ضمانت برات، ذاتاً تجاری نیست.

ج) صدور، ظهرنویسی، ضمانت و قبولی برات اعمال ذاتاً تجاری است.

د) صدور و ظهرنویسی برات، اعمال ذاتاً تجاری است اما ضمانت و قبولی برات ذاتاً تجاری نیست.

گزینه‌ی «ج» درست است.

۳۳- معاملات برواتی به عنوان اعمال تجاری ذاتی: (وکالت گیلان-۹۰)

الف) شامل برات نمی‌شود.

ب) چک را شامل نمی‌شود.

ج) همه‌ی اسناد تجاری را دربرمی‌گیرد.

د) سفته را دربرمی‌گیرد اما شامل چک و برات نمی‌شود.

گزینه‌ی «ب» درست است.

۳۴- معامله‌ی کدام سند یا اسناد ذاتاً تجاری است؟ (ارشد سراسری-۷۴)

الف) برات و سفته ب) برات ج) سفته د) هر سه سند

گزینه‌ی «ب» درست است.

۳۵- در مورد معامله‌ی برات، سفته و چک کدام گزینه درست است؟ (ارشد سراسری-۷۳)

الف) معامله‌ی هر سه سند، تجارتي است.

ب) معامله‌ی برات ذاتاً تجارتي است.

ج) معامله‌ی چک ذاتاً تجارتي نیست، ولی معامله‌ی برات و سفته ذاتاً تجارتي است.

د) صدور سفته توسط تاجر ذاتاً تجارتي است، خواه مربوط به معامله‌ی تاجر باشد یا نباشد.

گزینه‌ی «ب» درست است. صدور، ظهرونیسی و ضمانت سفته و چک مشمول عنوان معاملات برواتی در ماده‌ی ۲ قانون تجارت نیست؛ در نتیجه، ذاتاً عمل تجارتي به‌شمار نمی‌آیند، ولی در صورت اجتماع شرایط، این اعمال به‌صورت تبعی تجارتي محسوب خواهند شد؛ به‌عنوان مثال، اگر تاجری در وجه تاجر دیگر چک صادر کند، طبق بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت عمل به‌طور تبعی تجارتي است.

۳۶- معاملات برواتی: (وکالت-۸۶)

الف) ذاتاً تجاری است.

ب) مطلقاً تجاری است.

ج) وقتی بین تاجر باشد تجاری است.

د) گزینه‌ی «الف» و «ب» صحیح است.

گزینه‌ی «د» درست است. عمل تجارتي ذاتی و مطلق مترادفند. برخی از صاحب‌نظران حقوق تجارت، اعمال موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت را اعمال تجارتي مطلق نامیده‌اند، برخی نیز به این اعمال، اعمال تجارتي اصلی عنوان داده‌اند. هیچ‌یک از این عناوین در ماده‌ی ۲ مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. باوجود این، ماده‌ی ۳۱۴، تمایل قانون‌گذار به استفاده از عبارت عمل تجارتي ذاتی را نشان می‌دهد.

۳۷- صدور چک اگر تجارتي است. (ارشد آزاد-۸۲)

الف) محل صدور و محل پرداخت آن در دو شهر مختلف باشد ذاتاً

ب) صادرکننده و دارنده‌ی آن هر دو تاجر باشند ذاتاً

ج) معامله‌ای که از بابت آن صادر شده تجارتي باشد.

د) صادرکننده و دارنده تاجر باشند.

گزینه‌ی «د» درست است. طبق ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، عمل حقوقی صدور چک حتی اگر محل صدور و پرداخت آن، دو محل مختلف باشد ذاتاً عمل تجارتي نیست. اعمال تجارتي ذاتی به‌اعمالی گفته می‌شود که در ماده‌ی ۲ قانون تجارت احصا شده‌اند و بدون توجه به اینکه طرفین آن تاجر باشند یا غیرتاجر، ماهیت تجارتي دارند؛ در نتیجه، وقتی صدور چک را از شمول مصادیق اعمال ذاتاً تجارتي خارج کنیم، تاجر بودن صادرکننده یا دارنده یا هر دو آن‌ها چنین وصفی به این عمل اعطا نمی‌کند؛ باوجود این، اگر شرایط اعمال تجارتي تبعی به‌ترتیبی که در ماده‌ی ۳ قانون تجارت بیان شده در عمل صدور چک وجود داشته باشد؛ این عمل به‌طور تبعی تجارتي شناخته خواهد شد. طبق بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت، اگر هر دو طرف قرارداد تاجر باشند قرارداد

موردنظر به‌طور تبعی تجارتي شناخته می‌شود؛ طبق مراتب فوق، اگر صادرکننده و دارنده‌ی چک، هردو تاجر باشند، عمل صدور چک به‌طور تبعی وصف تجارتي پیدا می‌کند.

۳۸- کدام‌یک از معاملات زیر عمل تجارتي ذاتی محسوب می‌شود؟ (وکالت-۷۹)

الف) تصدی به معاملات حراجی

ب) کلیه‌ی معاملات بین تجار، کسبه و صرافان بانک‌ها

ج) کلیه‌ی معاملات شرکت‌های تجارتي

د) کلیه‌ی معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می‌نماید.

طبق بند ۵ ماده‌ی ۲ قانون تجارت گزینه‌ی «الف» درست است، موارد مندرج در سایر گزینه‌ها از اعمال تجارتي تبعی هستند.

۳۹- کدام‌یک از اعمال زیر با یک‌بار انجام‌شدن تجارتي محسوب می‌شود؟

(ارشد سراسری-۷۷)

الف) حمل‌ونقل (ب) حق‌العمل‌کاری

ج) حراجی (د) وساطت معاملات ملکی

گزینه‌ی «ب» درست است. اعمال تجارتي ذاتی موضوع ماده‌ی ۲ قانون تجارت براساس معیارهای مختلف به گروه‌های متفاوتی تقسیم شده‌اند. یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج این اعمال، تقسیم آن‌ها به اعمال تجارتي ذاتی بنگاهی (تصدی) و اعمال تجارتي ذاتی غیربنگاهی (غیرتصدی) است. در ارتباط با مبنای این تقسیم‌بندی اختلاف‌نظر وجود دارد. به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران، عنصر تصدی، تکرار عمل است و برخی نیز تصدی را مستلزم ایجاد بنگاه و اختصاص‌دادن تجهیزات و ادواتی برای انجام عمل موردنظر می‌دانند. در ماده‌ی ۲ قانون تجارت، پنج عمل به‌شرح زیر جزء اعمال تجارتي ذاتی بنگاهی هستند:

۱- تصدی به حمل‌ونقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد؛

۲- تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیداکردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره؛

۳- تأسیس و به‌کارانداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوایج شخصی نباشد؛

۴- تصدی به عملیات حراجی؛

۵- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.

۴۰- کدام‌یک از معاملات ذیل، معامله‌ی تجارتي محسوب نمی‌شود؟ (وکالت-۷۷)

الف) معامله‌ی اموال غیرمنقول

ب) عملیات دلالی

ج) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به‌قصد فروش یا اجاره

(د) تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی

گزینه ی «الف» درست است.

۴۱- مطابق ماده ی ۲ قانون تجارت «تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب وهوا به هر نحوی که باشد» و «گشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها» دو قسم از اقسام معاملات تجاری می باشند. با توجه به ماده ی فوق: (دکتری آزاد-۹۳)

الف) مورد اول اشاره به نظریه ی شخصی و مورد دوم اشاره به نظریه ی موضوعی دارد.

ب) مورد اول اشاره به نظریه ی موضوعی و مورد دوم اشاره به نظریه ی شخصی دارد.

ج) ماده ی ۲ قانون تجارت دلالت بر نظریه ی موضوعی دارد.

د) ماده ی ۲ قانون تجارت دلالت بر رویکرد مختلط قانون گذار دارد.

گزینه ی «ج» درست است. پرسش حاضر با مسامحه و بی دقتی شدید و آزاردهنده ای طرح شده و معنای روشنی افاده نمی کند؛ با وجود این، اگر قرار بر انتخاب از بین گزینه های فوق باشد انتخاب گزینه ی «ج» ترجیح دارد. قانون تجارت در تعریف تاجر به موجب ماده ی ۱ معیار موضوعی را انتخاب کرده است؛ به این معنا که موضوع فعالیت اشخاص تعیین می کند که تاجر هستند یا غیر تاجر. طبق این ماده تاجر کسی است که شغل معمول خود را معاملات تجاری قرار بدهد. بعد از تعریف تاجر با ضابطه ی موضوعی، قانون گذار در ماده ی ۲ قانون به تعریف مصداقی تجارت یا به عبارت دیگر بیان مصداقی معاملات تجاری پرداخته است. به این ترتیب، ماده ی ۲ مکمل ماده ی ۱ قانون تجارت است و امکان اعمال ضابطه ی موضوعی در تشخیص تاجر از غیر تاجر را در حقوق ایران فراهم می کند.

۴۲- کدام دعوا تجاری است؟ (قضات-۹۳)

الف) موضوع اختلاف تجاری است.

ب) طرفین آن تاجر هستند.

ج) موضوع اختلاف تجاری و خوانده ی آن تاجر است.

د) موضوع اختلاف تجاری و خواهان آن تاجر است.

گزینه ی «الف» درست است. دعوی تجاری دعوی است که از رابطه ی تجاری ناشی شده است، صرف تاجر بودن خواهان یا خوانده، سبب تجاری محسوب شدن دعوا نمی شود.

۴۳- در خصوص اعمال تجاری کدام مورد صحیح است؟

(دکتری حقوق خصوصی سراسری-۹۷)

الف) دلالی در معاملات غیر منقول، عمل تجاری حساب می شود.

ب) صدور سفته و چک از سوی شرکت های سهامی، ذاتاً عمل تجاری محسوب می شود.

ج) از نظر قانون تجارت، کلیه معاملات تجار صرفاً در صورتی که برای رفع حوایج تجاری آنها

باشد، تجارتي محسوب مي‌شود.

د) عمليات تجارتي خدماتي، يكي از اقسام اعمال تجارتي است، لذا تشكيل شركت با مسئوليت محدود با موضوع «خدمات وكالت و مشاوره حقوقي» صحيح است.
گزينه ي «الف» درست است. طبق بند ۳ ماده ي ۲ قانون تجارت، تصدي به تسهيل معاملات غير منقول از اعمال تجارتي ذاتي است. يكي از مصاديق تسهيل معاملات ملكي، دلالي معاملات ملكي است.

مبحث دوم: اعمال تجارتي تبعي

۴۴- کدام يك از اعمال زير اعمال تجارتي تبعي (فرعي) محسوب مي‌گردد؟

(ارشد سراسري-۷۶)

الف) تاسيس و به‌كارانداختن هر قسم كارخانه

ب) تصدي به حمل‌ونقل

ج) معاملات اجزا يا خدماي تاجر كه براي امور تجارتي تاجر صورت مي‌گيرند.

د) معاملات برواتي اعم از اينكه بين تاجر يا غير تاجر باشد.

طبق بند ۳ ماده ي ۳ قانون تجارت گزينه ي «ج» درست است. اعمال مندرج در ساير گزينه‌ها

بر اساس ماده ي ۲ قانون تجارت از اعمال تجارتي ذاتي هستند.

۴۵- کدام يك از اعمال زير اعمال تجارتي تبعي محسوب مي‌شوند؟ (ارشد سراسري-۷۳)

الف) تصدي به حمل‌ونقل

ب) معاملات برواتي

ج) تاسيس و به‌كارانداختن هر قسم كارخانه

د) معامله ي اجزا يا خدماي تاجر براي امور تجارتي تاجر

طبق بند ۳ ماده ي ۳ قانون تجارت گزينه ي «د» درست است.

۴۶- معامله ي تجارتي تبعي، چگونه معامله‌اي است؟ (قضاوت-۹۲)

الف) بين دو تاجر براي امور تجارتي آنها انجام مي‌شود.

ب) توسط شركت‌هاي تجارتي انجام مي‌شود.

ج) بين يك تاجر و يك غير تاجر انجام مي‌شود.

د) بين دو تاجر انجام مي‌شود.

با مسامحه گزينه‌هاي «ب» و «د» هردو درست هستند. معامله تجارتي تبعي به اعالي اطلاق

مي‌شود كه ذاتاً تجارتي نيستند و با رعايت شرايط مندرج در مواد ۳ و ۴ قانون تجارت به دليل

ارتباطشان با تاجر يا شركت تجارتي وصف تجارتي پيدا کرده‌اند، مورد مندرج در گزينه ي «د»

طبق بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت یکی از مصداق‌های معاملات تجاری تبعی است. نادرست بودن گزینه‌ی «الف» به این دلیل است که برای تبعاً تجاری محسوب شدن معامله‌ای که بین دو تاجر منعقد شده است، لازم نیست انگیزه‌ی انعقاد عقد رفع نیازهای تجاری طرف تاجر قرارداد باشد. گزینه‌ی «ج» نیز به این دلیل نادرست است که طبق بند ۲ ماده ۳ قانون تجارت زمانی که طرفین معامله غیرتاجر هستند، برای اینکه قرارداد به‌طور تبعی تجاری محسوب گردد باید انگیزه‌ی طرفین رفع نیاز تجاری طرف تاجر معامله باشد. گزینه‌ی «ب» نیز براساس بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت درست است.

۴۷- کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟ (ارشد سراسری-۷۱)

الف) کلیه‌ی معاملات شرکت‌های تجاری، تجاری محسوب می‌شوند.
ب) کلیه‌ی اعمال مدنی شرکت‌های تجاری، مدنی محسوب می‌شوند.
ج) کلیه‌ی اعمال مدنی شرکت‌های تجاری، تجاری محسوب می‌شوند.
د) کلیه‌ی معاملات شرکت‌های تجاری به استثنای معاملات غیرمنقول، تجاری تلقی می‌شوند.
گزینه‌ی «د» درست است. طبق بند ۴ ماده ۳ قانون تجارت، کلیه‌ی معاملات شرکت‌های تجاری به‌طور تبعی تجاری محسوب می‌شود؛ چون در مورد شرکت تجاری به جهت حقوقی بودن شخصیت آن حواجج و نیازهای شخصی متصور نیست. قانون‌گذار، در این بند، تجاری محسوب شدن معاملات شرکت‌های تجاری را به انعقاد آن‌ها برای رفع حواجج تجاری مشروط نکرده است. گرچه در بند ۴ ماده ۳، به‌طور مطلق، معاملات شرکت‌های تجاری را به‌طور تبعی تجاری شناخته، استثناهایی بر آن وارد است:

۱- اعمال تجاری ذاتی که شرکت‌های تجاری انجام می‌دهند از شمول عنوان اعمال تجاری تبعی خارج‌اند؛ چون هر عملی که ذاتاً تجاری باشد در قلمرو اعمال تجاری تبعی قرار نمی‌گیرد.
۲- طبق ماده ۴ قانون تجارت، معاملات غیرمنقول به‌هیچ‌وجه تجاری محسوب نمی‌شوند، دلیل تأکید قانون‌گذار با عبارت «به‌هیچ‌وجه»، تصریح به این نکته است که این اعمال نه به‌وجه ذاتی عمل تجاری‌اند و نه به‌وجه تبعی؛ در نتیجه، معاملات غیرمنقول را نیز، خواه توسط شرکت‌های تجاری انجام شود و خواه از سوی اشخاص حقیقی، باید از قلمرو اعمال تجاری تبعی خارج کرد.

۴۸- کدام مورد در توصیف «معامله‌ی تجاری تبعی»، صحیح است؟ (ارشد سراسری-۹۵)

الف) هر معامله‌ای که طرفین آن تاجر یا شرکت تجاری باشند، معامله‌ی تجاری تبعی است.
ب) هر معامله‌ای که توسط تاجر انجام شود، به تبع تاجر، تجاری محسوب می‌شود.
ج) ذاتاً تجاری نیست و اصولاً برای رفع حوائج تجاری تاجر انجام می‌شود.
د) فقط معامله‌ای است که موضوع فعالیت تجاری تاجر است.
طبق مواد ۲ و ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است.

۴۹- با توجه به ماده‌ی ۴ ق.ت که معاملات غیرمنقول تجارتي محسوب نمی‌شود و ماده‌ی ۵ همان قانون که کلیه‌ی معاملات تجار، تجارتي محسوب می‌شود؛ دادوستد یک مال غیرمنقول میان دو شرکت تجارتي؛ (ارشد آزاد-۸۹)

الف) تجارتي نیست ولی باید در دفاتر تجارتي شرکت‌ها ثبت شود.

ب) تجارتي نیست و نیازی به ثبت آن‌ها در دفاتر تجارتي نمی‌باشد.

ج) معاملات مزبور ذاتاً تجارتي است.

د) معاملات مزبور به تبع تاجر بودن شرکت‌ها تجارتي است.

گزینه‌ی «ب» درست است. طبق ماده‌ی ۴ قانون تجارت، معاملات اموال غیرمنقول به‌هیچ‌وجه تجارتي محسوب نمی‌شود؛ بنابراین معاملات مذکور نه ذاتاً تجارتي هستند و نه به‌صورت تبعی می‌توان آن‌ها را تجارتي به‌شمار آورد. ماده‌ی ۵ قانون تجارت، مبنای یک اماره‌ی قانونی نسبی است و خلاف آن قابل‌اثبات است؛ در نتیجه، اگر ثابت شود مال مورد معامله‌ی غیرمنقول بوده، خلاف اماره اثبات می‌شود و این اماره دلالتی بر تجارتي بودن معامله نخواهد داشت. ثبت معاملاتی که ذاتاً یا به‌طور تبعی تجارتي نیستند در دفاتر تجارتي الزامی نیست. ماده‌ی ۷ قانون تجارت که مندرجات الزامی دفتر روزنامه را بیان کرده است در این خصوص مقرر می‌دارد: «...تاجر باید همه‌روزه مطالبات و دیون و داد و سند تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به‌طور کلی جمیع واردات و صادرات خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می‌کند، در آن دفتر ثبت نماید.» بنابراین، ثبت معامله‌ای که به‌طور ذاتی یا تبعی ماهیت تجارتي ندارد در دفتر روزنامه الزامی نیست. مندرجات الزامی دفتر کل نیز همان مندرجات دفتر روزنامه است؛ در نتیجه، امری که در دفتر روزنامه درج نشده باشد در دفتر کل هم درج نمی‌شود. در دفتر دارایی نیز طبق ماده‌ی ۹ قانون تجارت صورت جامع کلیه‌ی دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات تاجر نوشته می‌شود نه معاملات راجع به این اموال.

۵۰- معاملات غیرمنقول: (ارشد سراسری-۷۱)

الف) اگر برای امور تجارتي باشد، تجارتي محسوب می‌شود.

ب) به‌هیچ‌وجه تجارتي محسوب نمی‌شود.

ج) اگر به‌قصد سودجویی باشد، تجارتي محسوب می‌شود.

د) اگر به‌قصد فروش باشد، تجارتي محسوب می‌شود.

گزینه‌ی «ب» درست است.

۵۱- بر اساس کدام نظریه زیر اعمال تجارتي شامل معاملات زمین و ساختمان نمی‌شود؟

(دکتری حقوق خصوصی سراسری-۹۷)

الف) گردش ثروت ب) سوداگری ج) حرفه تجارتي د) تشکیلات تجارتي

گزینه ی «الف» درست است. طبق ماده ی ۴ قانون تجارت: «معاملات غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود.» عده ای مبنای نظری بند ۱ ماده ی ۲ قانون تجارت را که طبق آن خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره عمل تجارتي محسوب شده است، نقش خرید و فروش این اموال در گردش ثروت می دانند؛ بر اساس این دیدگاه، دلیل تجارتي محسوب نشدن معاملات اموال غیر منقول در ماده ی ۴ قانون تجارت بی تأثیر بودن خرید و فروش این اموال در گردش ثروت است؛ زیرا در گذشته، خرید اموال غیر منقول معمولاً با هدف استفاده شخصی و بدون انگیزه فروش صورت می گرفت. اگر این توجیه را بپذیریم در شرایط فعلی که خرید و فروش اموال غیر منقول نقش قابل توجهی در گردش ثروت دارد، بقای حکم مقرر در ماده ی ۴ قانون تجارت، موجه نیست.

۵۲- اعمال شرکت سهامی، در کدام صورت تجارتي است؟ (قضاوت-۹۳)

- الف) اگر برای حوائج شخصی نباشد. (ب) هر عملی را که انجام دهد.
ج) وقتی که مربوط به غیرمنقول نباشد. (د) هر عملی را که انجام دهد، به جز اعمال مدنی
طبق بند ۴ ماده ی ۳ و ماده ی ۴ قانون تجارت گزینه ی «ج» درست است.

۵۳- کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟ (وکالت-۷۸)

- الف) معاملات اموال غیرمنقول در هیچ صورت تجاری محسوب نمی شود.
ب) معاملات اموال غیرمنقول اگر بین دو تاجر باشد، تجاری محسوب می شود.
ج) معاملات اموال غیرمنقول اگر به قصد فروش باشد، تجاری محسوب می شود.
د) معاملات اموال غیرمنقول در هر حال تجاری محسوب می شود.
گزینه ی «الف» درست است.

۵۴- خرید خانه توسط تاجر: (ارشد سراسری-۷۸)

- الف) در صورتی تجاری است که برای رفع حوائج شخصی نباشد.
ب) در صورتی تجاری است که به قصد فروش یا اجاره باشد.
ج) در صورتی تجاری است که شغل معمولی او باشد.
د) مطلقاً عمل تجارتي محسوب نمی شود.
گزینه ی «د» درست است.

۵۵- کدام مورد در خصوص خرید لوازم خانگی توسط تاجر برای جهیزیه ی دختر خود از

مغازه ی خرده فروشی، صحیح است؟ (وکالت-۹۵)

- الف) چنانچه ثمن از صندوق تجارت خانه پرداخت شود، مشمول عمل تجاری است.
ب) در صورتی که فروشنده تاجر باشد، عمل تجاری است.
ج) عمل تجاری محسوب می شود.

(د) به هیچ وجه تجاری نیست.

با وجود اینکه در کلید رسمی گزینه‌ی «د» انتخاب شده است، طبق بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است. عمل مذکور در پرسش مورد بحث از اعمال تجارتهی تبعی و مشمول بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت است. طبق این بند کلیه‌ی معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانک‌ها، به‌طور تبعی تجارتهی است. در فرض موضوع پرسش هر دو طرف قرارداد تاجر هستند، خرده‌فروش بودن فروشنده‌ی لوازم خانگی نافی تاجر بودن او نیست، شغل معمول خرده‌فروش لوازم خانگی، خرید مال منقول به قصد فروش است، تحت شمول بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت قرار می‌گیرد و به این اعتبار تاجر است. نفس اینکه فروشنده خرده‌فروشی می‌کند سبب نمی‌شود او در گروه کسبه‌ی جزء قرار گیرد؛ اگر درآمد سالانه‌ی خرده‌فروش لوازم خانگی بیش از ده میلیون تومان باشد که معمولاً این‌گونه است، فروشنده تاجر کاسب عمده قلمداد خواهد شد. حتی اگر در فرض مورد پرسش خرده‌فروش را از کسبه‌ی جزء بدانیم، قرارداد منعقد شده از عقود است که طرفین آن تاجر هستند و در نتیجه مشمول بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت قرار می‌گیرد. هرگاه هر دو طرف قرارداد تاجر باشند بدون توجه به انگیزه‌ی طرفین در انعقاد قرارداد، عمل انشا شده به‌طور تبعی تجارتهی محسوب می‌شود، انگیزه‌ی انعقاد عقد در صورتی مؤثر است که طبق بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت یکی از طرفین قرارداد تاجر و دیگری غیرتاجر باشد. دخالت دادن انگیزه‌ی انعقاد عقد برای تجاری محسوب کردن عقدی که هر دو طرف آن تاجر هستند، اجتهاد در برابر نص بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون تجارت است و به‌ویژه با لحاظ حکم مندرج در بند ۲ این ماده به هیچ وجه پذیرفته نیست.

۵۶- کدام عبارت زیر صحیح است؟ (ارشد سراسری-۸۰)

- (الف) خرید و فروش اموال، عمل تجاری است.
 (ب) خرید اموال غیرمنقول به‌قصد فروش توسط شرکت سهامی، عمل غیرتجاری است.
 (ج) خرید اموال غیرمنقول به‌قصد فروش توسط شرکت سهامی، عمل تجاری است.
 (د) خرید اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی، عمل تجاری است
- طبق ماده‌ی ۴ قانون تجارت گزینه‌ی «ب» درست است. دلیل نادرستی گزینه‌ی «الف» این است که خرید و فروش مطلق اموال را عمل تجارتهی دانسته؛ درحالی‌که طبق بند ۱ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، تنها خرید یا تحصیل مال منقول به‌قصد فروش یا اجاره ذاتاً عمل تجارتهی است.

۵۷- کدام یک از عبارات ذیل صحیح نمی‌باشد؟ (وکالت-۸۹)

- (الف) تسهیل نقل و انتقال اموال غیرمنقول تجاری محسوب می‌شود.
 (ب) معاملات غیرمنقول تجاری محسوب نمی‌شوند، ولو آنکه بین تجار انجام شود.
 (ج) خرید اراضی و تفکیک آن توسط تاجر، به‌قصد فروش تجاری محسوب می‌شود.

د) احداث ساختمان، به منظور فروش یا اجاره توسط شرکت‌های با مسئولیت محدود، عمل تجاری است. گزینه‌ی «ج» درست است.

۵۸- معامله‌ی راجع به اموال منقول بین شرکت‌های سهامی در چه صورتی تجاری است؟ (ارشد سراسری-۸۳)

الف) در هر صورت

ب) فقط در صورتی که موضوع یکی از آن‌ها تجاری باشد.

ج) فقط در صورتی که موضوع هر دو شرکت تجاری باشد.

د) حقی غیرمالی است و قابل انتقال به سهام‌دار شرکت و غیرسهام‌دار است.

گزینه‌ی «الف» درست است. معاملات اموال منقول توسط همه‌ی شرکت‌های تجارتي، تجاری است. در برخی موارد این معامله ذاتاً عمل تجارتي است، مانند خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره و در مواردی نیز براساس بند ۴ ماده‌ی ۲ قانون تجارت، به طور تبعی تجارتي محسوب می‌شود مانند خرید مال منقول به قصد استفاده در شرکت.

۵۹- چنانچه شرکت تجارتي مال غیرمنقولی را بخرد آیا این معامله، عمل تجارتي محسوب می‌شود؟ (وکالت-۸۴)

الف) در هر صورت عمل تجارتي محسوب می‌شود.

ب) در هیچ صورتی عمل تجارتي محسوب نمی‌شود.

ج) بله، مشروط بر اینکه برای سکونت مدیرعامل خریداری شده باشد.

د) بله، مشروط بر اینکه برای دفتر مرکزی شرکت خریداری شده باشد.

گزینه‌ی «ب» درست است.

۶۰- کدام گزینه درست است؟ (ارشد سراسری-۷۴)

الف) خرید اموال غیرمنقول به قصد فروش توسط شرکت سهامی، عمل غیرتجارتي است.

ب) خرید اموال غیرمنقول توسط شرکت سهامی، عمل تجارتي است.

ج) خرید اموال به قصد فروش عمل تجارتي است.

د) خرید اموال غیرمنقول به قصد فروش توسط شرکت سهامی، عمل تجارتي است.

گزینه‌ی «الف» درست است. گرچه شرکت‌های سهامی طبق ماده‌ی ۲ لایحه‌ی قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت از حیث شکل تاجرنند؛ در نتیجه، می‌توانند موضوع فعالیت خود را از امور غیرتجارتي مانند معاملات اموال غیرمنقول انتخاب کنند. معاملات اموال غیرمنقول توسط آن‌ها عمل تجارتي محسوب نمی‌شود. بین جواز انتخاب معاملات اموال غیرمنقول توسط شرکت به عنوان موضوع فعالیت، با تجارتي محسوب شدن معاملات اموال غیرمنقول تفاوت است.

۶۱- معامله‌ی بین دو تاجر: (وکالت-۸۳)

الف) در هر حال تجاری خواهد بود.

ب) در هر حال تجاری خواهد بود به استثنای اموال غیرمنقول.

ج) در هر حال تجاری خواهد بود به استثنای اموال منقول.

د) فقط در صورتی که مربوط به حوائج شخصی تاجر باشد، تجاری خواهد بود.

گزینه‌ی «ب» درست است.

۶۲- کدام عمل جزء اعمال تجاری تبعی محسوب می‌شود؟ (وکالت-۸۳)

الف) معامله اجزا یا خدمه‌ی تاجر برای امور تجاری تاجر

ب) تأسیس و به‌کارانداختن هر قسم کارخانه

ج) تصدی به حمل‌ونقل

د) معاملات برواتی

طبق بند ۳ ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «الف» درست است.

۶۳- کدام مورد زیر در شمار معاملات تجاری تبعی است؟ (وکالت-۸۵)

الف) کلیه‌ی معاملات شرکت‌های تجاری

ب) عملیات بیمه‌ی بحری و غیربحری

ج) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر و غیرتاجر باشد.

د) هر قسم عملیات دلالی و حق‌العمل‌کاری و یا عاملی

طبق بند ۴ ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «الف» درست است.

۶۴- معامله‌ی بین تاجر با غیرتاجر (وکالت-۸۷)

الف) تجاری نیست. (ب) در صورتی که برای رفع حوائج تجاری تاجر باشد، تجاری است.

ج) تجاری است. (د) در صورت درج مراتب در قرارداد تجاری است.

طبق بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «ب» درست است.

۶۵- معاملات تاجر تجاری محسوب (ارشد آزاد-۸۸)

الف) می‌شود، حتی اگر غیرتجاری بودن آن توسط طرف تاجر اثبات شود.

ب) نمی‌شود، چنانچه طرف تاجر غیرتجاری بودن آن را ثابت کند.

ج) می‌شود.

د) نمی‌شود.

طبق ماده‌ی ۵ قانون تجارت گزینه‌ی «ب» درست است. ماده‌ی ۵ قانون تجارت متضمن یک

اماره‌ی قانونی است که به‌موجب آن معاملات تاجر تجاری محسوب می‌شود مگر اینکه خلاف

آن اثبات شود.

۶۶- کدام مورد صحیح است؟ (قضاوت-۹۱)

الف) کلیه معاملات تجار، تجارتي محسوب می‌شود، مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.

ب) به‌طور کلی، کلیه معاملات تجار، تجارتي محسوب می‌شود.

ج) کلیه معاملات تجار، ولو در مورد اموال غیرمنقول، تجارتي هستند.

د) کلیه معاملات تجار، تجارتي محسوب می‌شود، ولو برای حوایج شخصی باشد.

گزینه‌ی «الف» درست است. طبق ماده‌ی ۵ قانون تجارت: «کلیه معاملات تجار تجارتي محسوب است؛ مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نیست.» این ماده بیان‌کننده‌ی یکی از امارات قانونی مندرج در قانون تجارت است که به موجب آن هر معامله‌ای که یکی از طرفین آن تاجر است، معامله‌ی تجارتي محسوب می‌شود، مگر اینکه غیرتجارتي بودن معامله اثبات گردد.

گزینه‌ی «ب» به‌دلیل مخالفت با مواد ۴ و ۵ قانون تجارت نادرست است.

گزینه‌ی «ج» به‌دلیل مخالفت با ماده‌ی ۵ قانون تجارت نادرست است.

گزینه‌ی «د» به‌دلیل مخالف بودن با بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت نادرست است.

۶۷- براساس نظریه‌ی تشکیلات یا سازماندهی تجاری، معیار تجاری بودن معامله یا عملیات تجاری کدام است؟
(دکتری سراسری-۹۶)

الف) موضوع حرفه تجاری (ب) فاعل عمل تجاری

ج) ظرف عمل تجاری (د) هدف معامله و فعالیت

گزینه‌ی «ج» درست است.

۶۸- کدام مورد در خصوص معامله تاجر با غیر تاجر، صحیح است؟
(وکالت-۹۶)

الف) برای تاجر در هر حال، تجاری است.

ب) برای تاجر، اگر برای امور تجاری او باشد، تجاری است.

ج) در هر حال، تجاری است.

د) به‌هیچ عنوان تجاری نیست.

طبق بند ۲ ماده‌ی ۳ قانون تجارت گزینه‌ی «ب» درست است.

۶۹- در خصوص صدور و ظهرنویسی چک در صورتی که میان دو تاجر باشد، کدام مورد صحیح است؟
(وکالت-۹۸)

الف) به‌هیچ وجه تجارتي نیست.

ب) فقط در معاملات غیر منقول تجارتي نیست.

ج) در هر صورت تجارتي است.

د) اگر برای رفع حوائج تجارتي باشد، تجارتي است.

گزینه‌ی «د» درست است. طبق بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت معاملات برواتی ذاتا تجارتي هستند، صدور، ظهنويسي و ضمانت چک مشمول عبارت معاملات برواتي نيستند؛ در نتيجه اين اعمال ذاتا تجارتي نيستند. ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت هم صراحتاً بيان کرده است صدور چک حتي اگر از محلي به محل ديگر باشد ذاتا عمل تجارتي نيست. صدور، ظهنويسي و ضمانت چک در صورت وجود شرايط مقرر در ماده‌ی ۳ قانون تجارت بطور تبعي عمل تجارتي محسوب مي‌شوند. اگر دو طرف قراردادهاي صدور، ظهنويسي و ضمانت چک تاجر باشند و قرارداد با انگيزه رفع نيازهاي تجارتي منعقد شود، اين قراردادها بطور تبعي تجارتي هستند.

فصل سوم: تکالیف تجار

مبحث نخست: تنظيم و نگهداري دفاتر تجارتي

۷۰- کدام دفتر از جمله دفاتر تجاری نیست؟ (وکالت-۸۷)

الف) درآمد (ب) دارایی (ج) کپیه (د) کل

گزینه‌ی «الف» درست است. در قانون تجارت، حکم صریحی مبنی بر بیان مصادیق دفاتر تجارتي پیش‌بینی نشده است؛ باوجوداین، چون ماده‌ی ۶ این قانون هر تاجری را به استثنای کسبه‌ی جزء ملزم به نگهداري دفاتر مذکور در این ماده کرد، در دکترین حقوقی با توجه به‌عنوان باب دوم قانون تجارت (دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي)؛ همچنین فصل اول این باب که «دفاتر تجارتي» عنوان دارد، این دفاترها را دفاتر تجارتي نامیده‌اند. در مواد ۱۱ و ۱۴ قانون تجارت، قانون‌گذار به‌جای عبارت «دفاتر تجارتي» از عبارت «دفاتر مذکور در ماده‌ی ۶» استفاده کرده است.

در برخی مواد قانون تجارت نیز عبارت دفاتر بدون قید تجارتي و به‌صورت مطلق استفاده‌شده؛ از جمله در مواد ۵۴۲ و ۵۴۹ که در مقام بیان عنصر مادی جرم ورشکستگی به‌تقصیر و ورشکستگی به‌تقلب هستند. باوجوداین، در ماده‌ی ۴۱۳، از عبارت دفاتر تجارتي استفاده شده است. با توجه به‌مراتب فوق با لحاظ مقررات قانون تجارت نمی‌توان به‌طور قطع عنوان کرد که دفاتر تجارتي محدود به موارد مذکور در ماده‌ی ۶ است. در قانون مدنی، دو عنوان دفتر تجار و دفاتر تجارتي به‌ترتیب در موارد ۱۲۸۱ و ۱۲۹۷ مورد استفاده قرار گرفته‌اند. طبق ماده‌ی ۱۲۸۱ قید دین در دفتر تجار به‌منزله‌ی اقرار کتبی است، ماده‌ی ۱۲۹۷ نیز شرایط استناد به دفتر تجارتي به‌نفع صاحب دفتر -به‌عنوان سند- را بیان می‌کند.

به نظر می‌رسد دفتر تجار مفهومی عام‌تر از دفتر تجارتي است؛ بنابراین دفاتری را که طبق رویکرد پذیرفته‌شده در دکترین حقوقی نمی‌توان از مصادیق دفاتر تجارتي به‌شمار آورد، می‌توان از دفاتر تجار محسوب کرد. دفاتر مذکور در ماده‌ی ۶ قانون تجارت عبارتند از دفتر روزنامه، دفتر کل، دفتر دارایی و دفتر کپیه. لازم به ذکر است که طبق ماده‌ی ۱۴ قانون تجارت علاوه بر دفاتر مذکور در ماده‌ی ۶ این قانون، سایر دفاتری که تجار برای امور تجارتي خود به‌کار می‌برند، درصورتی که

مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد، بین تاجر در امور تجارتي سندیت خواهد داشت.

۷۱- داشتن کدام یک از دفاتر زیر برای تاجر الزامی نیست؟ (وکالت-۸۸)

- الف) دفتر دارایی
ب) دفتر روزنامه
ج) دفتر کپیه
د) دفتر تراز مالی ماهانه
- طبق ماده ۶ قانون تجارت گزینه ی «د» درست است.

۷۲- کدام گزینه در خصوص دفاتر تجاری و چک صحیح است؟ (ارشد سراسری-۸۶)

- الف) هر دو سند رسمی هستند.
ب) هر دو سند عادی هستند.
ج) دفاتر تجاری، سند رسمی و چک سند عادی است.
د) دفاتر تجاری، سند عادی و چک، سند رسمی است.
- گزینه ی «ب» درست است. دفاتر تجارتي و چک هر دو از جهت تقسیم بندی اسناد به عادی و رسمی، تابع شرایط عمومی مقرر در ماده ی ۱۲۸۷ قانون مدنی هستند. با وجود این، چک طبق ماده ی ۲ قانون صدور چک در حکم سند لازم الاجراست. این ویژگی سبب نمی شود که سند رسمی یا در حکم سند رسمی به شمار آید. بین سند رسمی یا در حکم رسمی و سند در حکم اسناد لازم الاجرا تفاوت وجود دارد. البته در دفاتر تجارتي ای که باید توسط مأمور رسمی امضا شوند، مطالبی که مأمور، احراز و در کنار امضای خود قید می کند اعتبار سند رسمی را دارند. طبق ماده ی ۱۲ قانون تجارت، مأمور رسمی باید در صفحه ی اول و آخر هر دفتر، مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضا کند.

۷۳- دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را: (وکالت-۷۸)

- الف) لااقل ماهی یک بار از دفترهای خود استخراج و بدان منتقل نماید.
ب) لااقل هر دو هفته ای یک بار از دفتر روزنامه استخراج نماید.
ج) لااقل هفته ای یک بار از دفتر روزنامه استخراج و در آن دفتر به طور خلاصه ثبت نماید.
د) از دفاتر خود استخراج نموده و به طور خلاصه در آن دفتر ثبت نماید.
- طبق ماده ی ۸ قانون تجارت گزینه ی «ج» درست است.

۷۴- کدام دفتر تراز مالی سالیانه تاجر را مشخص می کند؟ (ارشد سراسری-۹۰)

- الف) دفتر کل
ب) دفتر دارایی
ج) دفتر روزنامه
د) دفتر کپیه
- طبق ماده ی ۹ قانون تجارت گزینه ی «ب» درست است. براساس این ماده دفتر دارایی حاوی صورت جامعی از کلیه ی دارایی منقول و غیرمنقول تاجر؛ همچنین دیون و مطالبات سال گذشته ی او است؛ بنابراین براساس مندرجات این دفتر، تراز مالی تاجر در سال گذشته قابل تشخیص است.

۷۵- در مقایسه‌ی دفتر دارایی با دفتر کپیه کدام‌یک از گزینه‌های زیر درست است؟
(ارشد آزاد-۹۰)

الف) شرایط شکلی و تنظیمی دفاتر دارایی و کپیه یکسان است.
ب) از حیث شرایط شکلی، دفتر دارایی با دفتر کپیه تفاوت دارد.
ج) شرایط تنظیم دفتر کپیه با شرایط تنظیم دفتر دارایی تفاوت دارد.
د) مندرجات الزامی دفتر دارایی با مندرجات الزامی دفتر کپیه یکسان است.
گزینه‌ی «ب» درست است. شرایط مقرر برای دفاتر تجاری را می‌توان به دو گروه شرایط شکلی و شرایط تنظیم تقسیم کرد. با اجتماع این شرایط، دفتر تجاری به‌عنوان دفتر قانونی شناخته می‌شود و در صورت وجود سایر شرایط مقرر، صاحب دفتر می‌تواند به آن با توان اثبات سند به‌نفع خود استناد کند. شرایط شکلی به مواردی گفته می‌شود که پیش از آنکه چیزی در دفتر نوشته‌شده باشد ظاهر و شکل دفتر باید واجد آن‌ها باشد. شرایط تنظیم به شرایطی اطلاق می‌گردد که در موقع تنظیم مفاد و متن دفتر رعایت آن‌ها الزامی است. دفاتر تجاری از نظر شرایط شکلی وضعیت یکسانی ندارند. شرایط شکلی دفاتر روزنامه، کل و دارایی مشابه است، ولی دفتر کپیه از این حیث با سه دفتر فوق تفاوت دارد. شرایط شکلی دفاتر روزنامه، کل و دارایی عبارتند از:

۱- امضا شدن دفتر توسط مأمور صلاحیت‌دار؛

۲- قیطان کشیده بودن دفتر؛

۳- درج نمره‌ی ترتیبی بر روی صفحات دفتر.

طبق ماده‌ی ۱۱ قانون تجارت، از بین شرایط فوق تنها درج نمره‌ی ترتیبی روی صفحات دفتر از شرایط شکلی دفتر کپیه است؛ رعایت سایر شرایط در این دفتر الزامی نیست. شرایط تنظیم دفاتر تجاری در ماده‌ی ۱۳ قانون تجارت بیان‌شده و برای همه‌ی دفاتر مشترک است.

۷۶- برای اینکه دفاتر تجاری بتوانند صورت قانونی به خود بگیرند و معتبر شناخته شوند باید ابتدا:
(ارشد سراسری-۷۴)

الف) هم توسط اداره‌ی ثبت و هم توسط اداره‌ی دارایی کنترل و تأیید شوند.

ب) توسط اداره‌ی دارایی کنترل و تأیید شوند.

ج) توسط نماینده‌ی اداره‌ی ثبت اسناد کنترل و امضا شوند.

د) در دادگاه قانونی بودن آن‌ها به اثبات رسیده باشد.

طبق ماده‌ی ۱۱ قانون تجارت گزینه‌ی «ج» درست است.

براساس ماده‌ی ۲ نظام‌نامه‌ی امضا و پلمپ دفاتر تجاری، در صورتی که در محلی اداره‌ی ثبت تأسیس نشده باشد، انجام وظیفه‌ای که به‌موجب ماده‌ی ۱۱ قانون تجارت مقرر است با رعایت ترتیب، به‌عهده‌ی رئیس محکمه‌ی ابتدایی یا امین صلح خواهد بود که در این مورد به سمت